



کتابخانه صاحب بن عباد

شهلا بابازاده^۱

چکیده: صاحب بن عباد، ادیب، دانشمند و سیاستمدار بزرگ قرن چهارم هجری بود. کتابخانه صاحب یکی از معتبرترین کتابخانه‌های ایران و جهان اسلام به شمار می‌رفت. کتابخانه‌ای که برای حمل کتاب‌های مذهبی آن به چهارصد شتر نیاز بود و فهرست آن به ده جلد می‌رسید. به قول آرتورپوپ منابع آن معادل مجموع کتابخانه‌های سراسر اروپا در قرن دهم میلادی بود. صاحب، کتابخانه خود را وقف عام کرده بود و بسیاری از محققان بزرگ از آن بهره‌ها گرفتند. سلطان محمود غزنوی پس از تصرف شهر ری، دستور سوزاندن کتاب‌های آن کتابخانه را داد.

کلیدواژه‌ها: صاحب بن عباد، کتابخانه

مقدمه

همین مصاحبت او را لقب صاحب دادند. وی نخستین وزیری بود که به او "صاحب" می‌گفتند. به دیگر وزرا پیش از آن، خواجه می‌گفتند. امام محمد غزالی در کتاب نصیحه الملوک آورده: "به حکایت آمده است که شاهنشاه را (منظور مؤیدالدوله و یا برادرش فخرالدوله دیلمی است زیرا به هر دو شاهنشاه می‌گفتند) دوازده وزیر بوده است و از جمله ایشان

ابوالقاسم اسماعیل بن عباد، از مورخان و سخنوران مشهور در قرن چهارم هجری قمری است که در سال ۳۲۶ ق. در طالقان متولد شد. گرچه شهرت وی بیشتر در عرصه‌های حکومتی، سیاسی و مذهبی است، اما نقش مهم و ارزنده‌ای نیز در تاریخ فرهنگ کشورمان داشته است. پس از مرگ رکن‌الدوله؛ پسرش مؤیدالدوله دیلمی همراه با کاتب و دوست نزدیک خود یعنی اسماعیل بن عباد وارد اصفهان شد. به سبب

۱. عضو هیئت علمی کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

یکی صاحب ری بود "اسماعیل بن عباد"، پس آن همه وزیران یکی شدند و بروی تضریب‌ها کردند و زشت گفتندش نزد شاهنشاه، چون وزیر آگاه شد ایشان جمله گرد کرد و گفت: شما را چه هنر است که مرا نیست؟ تا بدان مرا پیش پادشاه بدی توانید گفت و کمترین هنر من قلم تراشیدن است و کیست از شما که قلم بتراشد و آن قلم یک بار بر دوات زند و از آن یک سطر تمام بنویسد؟ همه عاجز شدند، شاهنشاه گفت: تو بتراش، بتراشید و بنوشت. پس همه به فضل وی مقرر آمدند... (۴:۱۰۳-۱۰۴)، عضدالدوله (پادشاه دانشمند دیلمی) چون خود اهل کتاب و مطالعه بود، همواره

همراه با یک اسب با ساخت طلا به وی عطا نمود و دستور داد املاک وسیعی را در فارس به نام او به ثبت برسانند. درباره مقام علمی و ادبی صاحب بن عباد و کتاب‌هایی که تألیف کرده، مطالب زیادی نوشته شده است. در مجلس درس او دانشمندان زیادی، با وجودی که خود از نظر علمی مطرح بودند، حضور می‌یافتند و از اطلاعات و دانش او استفاده می‌کردند. ابن الجوزی می‌گوید که وی در بیشتر علوم صاحب نظر بود و از این حیث هیچ وزیری با او همپایه نبود. با علما و ادبا معاشرت داشت و به آنان می‌گفت ما (یعنی من) در روز سلطان و در شب هم چون برادرانیم. چنین شخص فرهیخته و عالمی پایه‌گذار کتابخانه‌ای در شهر ری شد که بعدها از معتبرترین کتابخانه‌های ایران و عالم اسلامی به شمار آمد.

کتابخانه صاحب بن عباد

بسیار بزرگ بود و بیشتر آثار زمانه را در برداشت. کتاب‌های آن در عصری گردآوری و فراهم آمده بود که هنوز چاپ، این رویداد بزرگ تمدن بشری اختراع نشده بود. برای تکثیر نوشته‌ای باید از آن نسخه برداری می‌شد؛ که کاری بس دشوار و مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی بود.

کتابخانه صاحب و سرنوشت آن

چنانچه گفته شد صاحب بن عباد دانشمند و نویسنده‌ای ارجمند و اهل مطالعه بود و به گردآوری کتاب علاقه وافری داشت. هر گاه از تألیف جدیدی آگاهی می‌یافت، با سعی تمام نسخه‌ای از آن به دست می‌آورد و برای مطالعه در کتابخانه‌اش قرار می‌داد و اگر آن را نمی‌پسندید به صاحبش برمی‌گرداند. چنانکه در توصیف کتاب الاغانی ابوالفرج اصفهانی دانشمند مشهور ایرانی می‌نویسد: "در کتابخانه ام ۱۱۷,۰۰۰ جلد کتاب نفیس دارم لیکن آن گاه که کتاب الاغانی را به دست آوردم از خواندن کتب‌های دیگر بازماندم" (۱:۱۸۲-۱۸۳). کتابخانه صاحب بن عباد بسیار بزرگ بود و بیشتر آثار زمانه را در برداشت. کتاب‌های آن در عصری گردآوری و فراهم آمده بود که هنوز چاپ، این رویداد بزرگ تمدن بشری اختراع نشده بود. برای تکثیر نوشته‌ای باید از آن نسخه برداری می‌شد؛ که

برای صاحب احترام زیادی قائل می‌شد. هنگامی که صاحب در همدان بود هدایای بسیاری

صاحب نقل کرده است که "از طرف ابوالعباس تاش نامه‌ای از نوح بن منصور پادشاه خراسان، که به خط خود آن را نگاشته بود، به من رسانید نوح در آن نامه مرا به خراسان فراخواند و گفت، اگر به خراسان روم مرا وزارت داده و در اداره کشور بر من اعتماد نموده، گنجینه اموال را در اختیارم نهاده و دست مرا در تمام امور کشور و تصمیمات باز می‌گذارد. من در پاسخ او عذرهای گوناگون آوردم از جمله گفتم: دستگاه وزارت من بزرگی و عظمت بسیار دارد و تنها برای انتقال کتابخانه‌ام چهار صد شتر لازم است تا چه رسد به اسباب و ادوات دیگر". صاحب بن عباد کتابخانه نفیس خود را وقف عام کرده بود. یعنی آن را کتابخانه عمومی اعلام کرد و بسیاری از دانش پژوهان و محققان بزرگ از این گنجینه با ارزش استفاده می‌کردند. مقدسی جغرافی دان مشهور در قرن چهارم هجری قمری برای تکمیل یافته‌های خود بارها به کتابخانه صاحب مراجعه کرده و از آن بهره‌ها گرفته است. مؤلف تاریخ قم می‌نویسد: "پیش از صاحب، رسم پادشاهان و وزراء آن بود که کتب خود را همانند جواهرات و زر و سیم در گنجینه‌ای نهان می‌کردند و دانش‌طلبان و شیفتگان کتابخانه را از مطالعه و خواندن محروم می‌نمودند و سرانجام آن کتب ارزشمند طعمه خاک گشته، از بین می‌رفت. اما صاحب بن عباد دفاتر و دوابین و کتاب‌های گوناگون مربوط به دانش‌های مختلف و فنون متفاوت را در اختیار مشتاقان قرار داد و وقف آنان نمود تا مورد استفاده قرار دهند و از آنها بهره‌ فراوان بردند" (۱: ۱۸۳). بعدها همین کتابخانه پایه و اساس کتابخانه عمومی شهر ری شد و نام دارالکتب ری گرفت. کتابخانه صاحب مقارن قرن دهم میلادی یعنی قرون وسطی تأسیس شد، دورانی که در اروپا و دنیای غرب عصر تاریک خوانده می‌شد و اختناق فکری در این جوامع حاکم بود. کتابخانه‌ها محدود به مجموعه‌های کوچک در صومعه‌ها و دیرها می‌شدند که تنها در اختیار جماعت کوچک کشیشان و راهبان بود.

کاری بس دشوار و مستلزم صرف وقت و هزینه زیادی بود. در معجم الادباج، ۶، روضات الجنات ج. ۲ و بسیاری از منابع دیگر شکوه و عظمت این کتابخانه را ذکر کرده‌اند. آمار مختلفی برای تعداد کتاب‌های آن چون ۲۰۶ هزار، ۱۴۰ هزار، ۱۱۷ هزار، ۱۱۴ هزار است و ۱۰۰ هزار گفته‌اند. همگی آمار فوق می‌تواند صحیح باشد و این به علت دوره‌های مختلف زندگانی صاحب است که با گذشت زمان بر تعداد کتاب‌های آن افزوده شده است، اما همگی منابع، فهرست کتاب‌های آن را مشتمل بر ۱۰ جلد دانسته‌اند که برای

کتابخانه صاحب مقارن
قرن دهم میلادی یعنی قرون
وسطی تأسیس شد، دورانی که
در اروپا و دنیای غرب عصر
تاریک خوانده می‌شد و
اختناق فکری در این جوامع
حاکم بود. کتابخانه‌ها محدود
به مجموعه‌های کوچک در
صومعه‌ها و دیرها می‌شدند که
تنها در اختیار جماعت کوچک
کشیشان و راهبان بود.

حمل کتاب‌های مذهبی آن به ۴۰۰ شتر و به گفته‌ای ۷۰۰ شتر نیاز بوده است. ثعالبی می‌گوید که ابوالحسن محمد بن الحسین الفارسی النحوی از

مجموعه‌های کوچک در صومعه‌ها و دیرها می‌شدند که تنها در اختیار جماعت کوچک کشیشان و راهبان بود. کتاب‌های این کتابخانه‌ها به سه بخش تقسیم می‌شدند: دو بخش کفرآمیز که به وسیله زبان جدا می‌شدند و یک بخش مسیحی که استفاده از آن اشکالی نداشت (۹۵:۷). اما در این دوره در ایران و جهان اسلام عصر شکوفایی کتابخانه‌ها بود. با نظری کوتاه و دقیق به فهرست‌های موجود چون فهرست ابن ندیم، طبقات الاطبا ابن ابی‌اصیبه، الذریعة آقا بزرگ تهرانی، کشف الظنون حاجی خلیفه و صدها کتابشناسی دیگر کفایت می‌کند که به اوج عظمت کتاب‌ها و کتابخانه‌های ایرانی و اسلامی پی برد. کتابخانه عضدالدوله دیلمی در شیراز از چنان عظمت و تنوعی برخوردار بود که مقدسی می‌نویسد: "هیچ کتابی در انواع علوم تألیف نشده، مگر اینکه نسخه‌ای از آن در این کتابخانه موجود باشد." هنگامی که ابن سینا از طرف نوح بن منصور به سمت کتابدار دربار انتخاب شد، با دیدن کتابخانه شگفت زده شد و نوشت: "کتاب‌ها با موضوع‌های مختلف در چندین اتاق بود. در یک اتاق مجموعه شعر و در اتاق دیگر کتاب‌های مذهبی و الی آخر. در این مجموعه کتاب‌هایی دیدم که کمتر کسی از آنها نامی شنیده بود و من خود نیز پیش از آن، آنها را ندیده بودم." بسیاری از کتابخانه‌های عمومی چون کتابخانه شیخ رشیدالدین فضل‌الله در تبریز و کتابخانه خواجه نصیرالدین طوسی در مراغه و بسیاری از این نوع را می‌توان نام برد که در ایران و عالم اسلامی بوده‌اند که ویژگی بیشتر این کتابخانه‌ها باز بودن آنها به روی عموم مردم و امانت دادن کتاب‌ها بود. محیطی که در آن تعصب فکری وجود نداشت و مهم‌تر از همه بسط و گسترش علوم و افکار گوناگون به سود جامعه محسوب می‌شد.

یاقوت حموی، جغرافیدان معروف که اندکی

پیش از هجوم مغولان در مرو می‌زیست، از اینکه کتابخانه‌های این شهر که تعدادشان بیش از ۱۰ کتابخانه بود و بی هیچ قید و مانعی به او کتاب امانت می‌دادند، هیجان زده شده بود و با تعجب نوشت: "در خانه‌ام همیشه بیش از ۲۰۰ جلد کتاب بود که از کتابخانه‌ها به امانت گرفته بودم و گرچه گرانها بودند اما برای آنها ودیعه‌ای نسپرده بودم (۱۰). اما امروزه از آن همه شکوه و عظمت چیزی باقی نمانده است. پیشرفت و گسترش کتابخانه‌ها از آن دنیای غرب شده است. اگر مقایسه‌ای بین کتابخانه‌های ایران و کشورهای اسلامی با کشورهای اروپایی و غربی صورت گیرد، اختلاف

در حمله مغول و تاتارها به
ایران کتاب‌های کتابخانه‌ها
هیزمی برای سوخت و گرم
کردن حمام‌های آنها شد. در
حمله به بغداد از کتاب‌ها و
تألیفات مسلمانان که در
کتابخانه‌ها و مدارس و مساجد
بود، پلن بر روی دجله ایجاد
کردند تا سپاهیان مغول از
روی آن عبور کنند. آب دجله
به سبب مرکب کتاب‌ها کاملاً
سیاه‌رنگ شده بود.

فاحشی از نظر کمی و کیفی به چشم می‌خورد که بسیار

دهم این کتابخانه چنان عظیم بود که فهرست آن شامل ۱۰ مجلد کتاب می شد. به گفته رکن الدین همایونفرخ در کتاب "تاریخچه کتاب های ایران و کتابخانه های عمومی" بقایای این کتابخانه تا هجوم مغول نیز در کتابخانه ری بوده است (۹: ج ۱۰، ۲). این اثر می گوید: "محمود غزنوی از کتب این کتابخانه آنچه در فلسفه اعتزال و نجوم بود سوزانید و به جز آنها صدبار از کتب را برداشت (۵: ج ۵۴۶، ۱). در روضه الصفا ذکر شده است: "فخرالدوله پس از درگذشت صاحب، خزائن و نفایس او را به جملگی در اختیار خویش گرفت (۸: ۱۶۰). حافظ ابرو در مجمع التواریخ می گوید: "پس از وفات صاحب بن عباد، فخرالدوله مجموع هر چه از او مانده بود به دیوان گرفت پس از آن نواب و اتباع او را مصادره کرد و مال بسیار از ایشان حاصل شد (۵: ج ۵۴۷، ۱). در دستور الوزرا ذکر شده: "بعد از فوت جناب صاحبی مملکات او را [فخرالدوله] تصرف نموده اولادش را محروم ساخت و متعلقات و منسبان را مصادره کرد، اموال از ایشان حاصل گردانید (۳: ۱۲۰)

محل کتابخانه

کتابخانه صاحب همان طور که اشاره شد در شهر ری قرار داشت. این کتابخانه دارای ۲ خازندار و کتابدار به نام های ابوبکر محمد بن ابراهیم بن علوی مقری و ابومحمد عبدالله بن حسن خازن اصفهانی بود. منابع اولیه این کتابخانه متعلق به ابوالفضل محمد بن ابی عبدالله معروف به ابن عمید (متوفی به سال ۳۶۰ ق.) وزیر رکن الدوله دیلمی بوده است. بعد از مرگ فرزند ابن عمید در زندان عضدالدوله، همه منابع کتابخانه او را به صاحب بن عباد دادند. درباره محل کتابخانه تحقیقات بازرشی انجام گرفته است. در کتاب الاحسن التقاسیم آمده که محل کتابخانه در ناحیه

دردناک است. این تفاوت ناشی از مصیبت های مختلفی است که در طول تاریخ بر سر این کشورها و مردم آن آمده است. جنگ ها و حملات وحشیانه ای توسط اقوام دور از تمدن صورت گرفت و ماحصل آن از بین رفتن کتاب ها و کتابخانه ها شد. در حمله مغول و تاتارها به ایران کتاب های کتابخانه ها همی می برای سوخت و گرم کردن حمام های آنها شد. در حمله به بغداد از کتاب ها و تألیفات مسلمانان که در کتابخانه ها و مدارس و مساجد بود، پلی بر روی دجله ایجاد کردند تا سپاهیان مغول از روی آن عبور کنند. آب دجله به سبب مرکب کتاب ها کاملاً سیاه رنگ شده بود. زلزله، سیل، آتش سوزی ها، حیوانات و حشرات موزی و مهم تر از همه سهل انگاری زمامداران وقت در حفظ میراث فرهنگی و ملی کشور و دلالتان کتاب و سوجدویان و استعمار سهم مهمی در از بین بردن کتاب ها و تخلیه کتابخانه های ایرانی و اسلامی داشته اند. آرتور پوپ ایران شناس معروف در کتاب "شاهکارهای هنر ایران" می نویسد: "شاید کتابخانه شخصی مانند صاحب بن عباد در قرن دهم میلادی معادل مجموع کتابخانه های سراسر اروپا بوده باشد و بدیهی است کتاب های خوش خط مذهب اعلا در میان آنها کم نبود" (۲: ۱۵۶). کتابخانه صاحب تا حمله سلطان محمود غزنوی سال ها بهترین مرجع محققان و دانش پژوهان ایران بود. از آنجایی که سلطان محمود غزنوی، مردی متعصب و قشری بود، به سبب وجود کتاب های شیعی، معتزلی و رافضی در این کتابخانه پس از تصرف، دستور سوزاندن آنها را داد. مابقی کتاب ها (غیر مذهبی) تا زمان ابوالحسن علی بن زید بیهقی نیز قابل توجه بوده است، زیرا بیهقی می نویسد: "من کتابخانه را پس از سوزانده شدن به دستور سلطان محمود را دیدم و می توانم صعوبت حمل و نقل آن را از ری به بخارا و صحت نظر صاحب بن عباد را گواهی

تیموریان، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی. طهران: اقبال، ۱۳۱۷.

۴. غزالی، محمدبن محمد. نصیحه الملوك. با مقدمه و تصحیح جلال همایی، تهران: هما، ۱۳۱۷.

۵. کریمان، حسین. ری باستان. ج ۱. تهران: دانشگاه ملی ایران، ۱۳۵۴.

۶. مقدسی، محمدبن احمد، احسن التقاسیم فی معرفه پ الاقالیم. ج ۲، ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، [بی تا].

۷. موهرجی، ا.ک. تاریخ و فلسفه کتابداری. ترجمه اسدالله آزاد. تهران: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی، ۱۳۶۸.

۸. میرخواند، محمدبن خاوندشاه، روضة الصفا. تهذیب و تلخیص عباس زریاب. تهران: علمی، ۱۳۷۳.

۹. همایونفرخ، رکن الدین، کتابخانه های ایران و کتابخانه های عمومی. ج ۲. تهران: وزارت فرهنگ و هنر، اداره کل نگارش، ۱۳۴۷.

10. Pinto, O. "The Libraries of The Arabs during The time of the Abbassid". Islamic Culture, Vol.3, No.215 (1929)

تاریخ دریافت: ۸۷۳/۱۲

سفلی روده بوده است. مقدسی می گوید: "کتابخانه در آخر بازار روده قرار داشته که این محل بازاری طولانی و در ری برین واقع بوده است" و این محل در پهنه فعلی ری و بر طبق نشانی های موجود در کنار مسیر چشمه علی و ظاهراً نرسیده به حدود خیابان آسفالته ورامین در نزدیکی های کوچه شش متری قرار داشته است (ج ۲: ۵۸۴).

مرگ صاحب بن عباد

مرگ صاحب بن عباد بعد از یک بیماری کوتاه در شب ۲۴ صفر ۳۸۵ ق. رخ داد. تابوتش را با زنجیری از سقف کتابخانه اش آویزان کردند تا مردم ری که در سوگ وی بر سر و روی خود می زدند، آخرین دیدار را با دانشمند فرزانه و کم نظیر دیارشان انجام دهند. در کتاب های تاریخی، این بخش از کتابخانه به "روضه صاحب" شهرت دارد. در روضات الجنات آمده: "همه به لباس های عزادار آمده بودند و در کنار کاخ وی منتظر ایستاده به مجرد که جنازه از در قصر بیرون آمد، مردم یک باره فریاد بر آورده و صدا به ناله بلند کردند و در برابر جنازه او به خاک افتادند" (۲۰۰: ۳). پس از تشییع، پیکر پاک صاحب از ری به اصفهان انتقال یافت و برای همیشه در محله "دریه" به خاک سپرده شد.

هاخذ

۱. بابایی، سعید. صاحب بن عباد وزیر دین پرور. [تهران]: سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز چاپ و نشر، ۱۳۷۳.

۲. پوپ، آرتور ایهام. شاهکارهای هنر ایران. اقتباس و نگارش پرویز ناتل خانلری. تهران: صفیعلی شاه: فرانکلین، ۱۳۳۸.

۳. خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین. دستورالوزراء: شامل احوال و زرای اسلام تا انقراض